

نویسنده : م. ک. بهادر اکمار «Bhadra Kumar»
منبع اود خپریډو نیټه : آسیا تایمز «2021-11-29»
ژباړونکی : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

افغانستان : صد روز تنهایی

Afghanistan : one hundred days of solitude

در این بخش سی و ششم از «تأملاتی در مورد رویدادهای افغانستان»، نویسنده به وقایع پس از 100 روز تسلط طالبان نگاه می‌کند.

In this 36th part of 'Reflections on Events in Afghanistan', the author looks at the events as they stand after 100 days of Taliban takeover



در حالی که طالبان (100) روز اول قدرت خود را به پایان می‌رسانند، قدرت‌های غربی به دنبال فرمولی هستند که چهره شان را حفظ کند تا با وقار کمی با مقامات کابل تعامل کنند. اتحادیه اروپا در اینجا نقش اصلی را بر عهده دارد. کشورهای اروپایی نسبت به جریان احتمالی پناجویان از افغانستان احساس فوریت دارند. اتحادیه اروپا در نظر دارد "یک پلت فرم گفتگوی منطقه‌ای فراگیر، در ابتدا با شش همسایه نزدیک افغانستان" (چین، پاکستان، ایران، ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان) بر راه اندازی کند.

اورسولا فون در لاین رئیس کمیسیون اروپا روز جمعه در سخنرانی در سیزدهمین نشست

آسیا و اروپا (ASEM) گفت که اتحادیه اروپا باید از مردم افغانستان حمایت کند تا از فروپاشی قریب الوقوع اقتصادی و اجتماعی که کشور با آن روبه‌رو است، جلوگیری کند. ماه گذشته، اتحادیه اروپا یک بسته بشردوستانه به ارزش یک میلیارد یورو برای مردم افغانستان و کشورهای همسایه، از جمله 300 میلیون یورو کمک‌های بشردوستانه اعلام کرده بود. انتظار می‌رود اتحادیه اروپا به زودی سفارت خود را در کابل بازگشایی کند، اما اصرار دارد که دولت طالبان را به رسمیت نمی‌شناسد.

اخیراً با پرواز و بازدید مقامات بروکسل از پایتخت‌های آسیای مرکزی، به ویژه از تاشکند و دوشنبه، فعالیت‌های زیادی صورت گرفته است. اتحادیه اروپا امیدوار است که برای رساندن کمک‌های «بشردوستانه» به افغانستان دهلیزی باز کند. نشست اخیر وزیران اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی در دوشنبه تلاشی در این راستا بوده است. **جوزپ بورل**، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا که رهبری هیئت را در نشست دوشنبه بر عهده داشت، بعداً نوشت:

آسیای مرکزی ممکن است در صدر اخبار بیشتر رسانه‌های اتحادیه اروپا نباشد، اما منطقه مهمی است که بین قدرت‌های بزرگ محصور شده است، همسایه افغانستان است و شرق و غرب را از طریق تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر پیوندها به هم متصل می‌کند. به عنوان اتحادیه اروپا، ما منافع روشنی در خطر داریم - و همین‌طور آسیای مرکزی. **بورل** احتمالاً از اولین مواجهه‌اش با منطقه آسیای مرکزی مجذوب شد، وقتی نوشت: «این منطقه از داشتن یک «گزینه اتحادیه اروپا» در کنار روابط‌شان با همسایگان نزدیک خود قدردانی می‌کند. آنها اتحادیه اروپا را عامل تعادل و قابل پیش‌بینی در یک چشم‌انداز بین‌المللی بی‌ثبات و غرق در سیاست‌های بزرگ می‌دانند.»

مطمئناً در بروکسل توجه ناگهانی افزایش یافته است. همان‌طور که **بورل** می‌گوید: «جایی که سیاستمداران می‌روند نشانه اولویت‌های سیاسی آنها است، بنابراین این جذب سفر، در هر دو جهت، نشانه‌ای است که اوضاع در روابط اتحادیه اروپا و آسیای مرکزی در حال حرکت است.»

تاچه حد این تبلیغات تبلیغاتی به اقدامات ملموس تبدیل می‌شود، باید دید. روسیه تامین‌کننده اصلی امنیت برای منطقه آسیای مرکزی است و مسکو روابط آشفته‌ای با اتحادیه اروپا و به ویژه **بورل** دارد. جای تعجب نیست که **بورل** تمرکز اتحادیه اروپا بر منطقه آسیای مرکزی را به شکلی خوش‌بینانه پیش‌بینی کرد و گفت: «اتحادیه اروپا می‌خواهد این منطقه را به عنوان فضایی باز برای اتصال و همکاری حفظ کند تا منطقه‌ای برای انتخاب‌های استراتژیک دوتایی و رقابت.»

در این زمینه، گفت‌وگوهای روز شنبه در دوحه بین طالبان و مقامات ایالات متحده/اتحادیه اروپا، تلاشی برای آغاز روند رو به نا‌بودی صلح دوحه است. به گفته **عبدالقهار بلخی**، سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان، این گفتگوها موضوعات سیاسی، دارایی‌های مسدود شده، کمک‌های بشردوستانه، آموزش، صحت، امنیت، بازگشایی سفارت‌ها در کابل را شامل می‌شود.

بدون شک، روایت غربی در حال تغییر مسیر است. برنامه خبری بی بی سی قصه واقعی امروز آخرین قسمت خود را تحت عنوان گرسنگی در افغانستان: زمان کار با طالبان؟

موضوع برنامه « 50 » دقیقه ای این است که این غیر مسئولانه است که یک بحران مشروعیت سیاسی مانع تعامل جامعه جهانی با مردم افغانستان شود. **یوگیتا لیمایه**، خبرنگار بی بی سی نیوز که آسیای جنوبی را پوشش می دهد، از غرب افغانستان گزارش داد :

استیصال و فوریت وضعیت (انسانی) در اینجا به سختی قابل بیان است. کاملاً واضح است که دیگر زمانی برای رسیدن به مردم افغانستان باقی نمانده است. نمی توان منتظر ماند تا جهان در مورد به رسمیت شناختن یا عدم به رسمیت شناختن حکومت طالبان بحث کند.»

یان اگلدن، دبیر کل شورای پناهندگان نروژی (NRC)، یکی دیگر از شرکت کنندگان در بحث بی بی سی، نیاز ضروری برای تعامل با طالبان را برجسته کرد. اظهارات او به ویژه جالب است زیرا NRC یکی از بزرگترین برنامه های کمک رسانی غربی را در افغانستان اجرا می کند و در حال حاضر بیش از 1000 تبعه افغان در کابل و ولایات مستقر شده اند. **اگلدن** به شدت ارزیابی **لیما** به را تقویت کرد :

بی اعتقادی متفق القول وجود دارد که کشورهای غربی، کشورهای ناتو، همین طور آنجا را ترک کردند و قالیچه را از زیر دست جمعیت کشیدند..... سوالات بسیاری مانند حقوق زنان برای تحصیل وجود دارد، اما ما برای حقوق همه مان مذاکره کرده ایم. کارکنان زن برای کار بنا بر این، امکان تعامل با دولت جدید وجود دارد.»

با این حال، تعامل غرب با طالبان همچنان مشکل ساز است. به نظر من، طالبان، پس از بررسی مسائل در خلوت در 100 روز گذشته، اکنون ممکن است حتی کمتر مایل به تقسیم قدرت در کابل یا پذیرش هرگونه پیش شرط غربی باشند. تنها راه پیش رو این است که طالبان را تشویق کنیم تا به مسیر میانه روی فعلی خود ادامه دهند. پیش شرط های غرب آشکاراً غیر واقعی هستند. **عبدالقهار بلخی**، سخنگوی وزارت امور خارجه که در برنامه بی بی سی شرکت کرده بود، در پاسخ به سوالی درباره شرایط غرب اظهار بی اعتنایی کرد :

ما هرگز این وضعیت را نمی خواستیم. تنها کاری که ما انجام دادیم این بود که برای آزادی خود بجنگیم، تا استقلال خود را از اشغال بدست آوریم. و اینکه دیگران بیایند و زندگی را به ما افغانها دیکته کنند - این راه حل مشکل نیست. راه حل مشکل تاکتیک فشار برای دیکته کردن نیست. راه حل مشکل از طریق همکاری، از طریق روابط مثبت و از طریق تشویق برای ایجاد شرایطی است که همه ما بتوانیم با هم کار کنیم.»

از سوی دیگر، در حالی که پایتخت های غربی برای انجام سریع کاری که از جریان پناهجویان جلوگیری می کند، فشار احساس می کنند، ابتدا باید سیستمی ایجاد شود که به موجب آن بتوانند مستقیماً با مردم افغانستان تماس بگیرند و از طالبان دور شوند. برخی از ایده های عجیب و غریب مانند ایجاد نقد ینگی در اقتصاد افغانستان با پرداخت

مستقیم پول به مردم از طریق یک بانک مرکزی در کابل که مستقل از دولت طالبان و توسط صندوق بین‌المللی پول حسابات بررسی می‌شود! طالبان هرگز چنین تجاوز اختراعی غرب به حاکمیت کشورشان را تحمل نخواهند کرد!

به همین ترتیب، آیا انتظار این که طالبان با کاهش دادن حقانی‌ها به عنوان پیش‌نیاز برای رفع تحریم‌های ایالات متحده، دولت را با زسازی کند، واقع‌بینانه است؟ مهم‌تر از همه، سقوط سریع رتبه **بایدن** سایه افکنده است، زیرا تمایل او برای ایجاد روابط جدید عادلانه و صمیمانه با طالبان مورد تردید است.

به بیان ساده، با نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای در سال آینده، افغانستان به یک میدان بازی فوتبال سیاسی در سیاست ایالات متحده تبدیل خواهد شد و گزینه **بایدن** این خواهد بود که آن را ایمن‌سازی کند. **بایدن** مبارزه با تروریسم را در اولویت قرار خواهد داد.

بنابراین، با در نظر گرفتن همه چیز، ایالات متحده و متحدانش در ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) به مسیر قدیمی بازگشته‌اند که تنها پاکستان است که می‌تواند برای اهرم طالبان برای الحاق آنها به آن‌ها استفاده کند. خواسته‌های غرب.

بر این اساس، یک هیئت عالی‌رتبه نظامی پاکستان در این هفته در مقر **ناتو** در بروکسل میزبانی شد. در همان زمان، در مسیری موازی، در حالتی خیره‌کننده، واشنگتن نیز از پاکستان دعوت کرد تا در نشست مجازی دموکراسی در واشنگتن در 9 تا 10 دسامبر شرکت کند. استراتژی این است که هم رهبری نظامی و هم غیرنظامی را در پاکستان به عهده بگیرد.

به طور قابل توجهی، یونس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو امروز اعلام کرد که ایالات متحده می‌خواهد تماس‌های نظامی خود را با پاکستان حفظ کند و با زدید اخیر هیئت نظامی بلند پایه پاکستان از مقر **ناتو** بخشی از این روند بود. به قول خودش،

وقتی صحبت از پاکستان به میان می‌آید، **ناتو** برای چندین سال تماس منظم با پاکستان داشته است. البته نه کمترین بحث در مورد وضعیت افغانستان. ما تماس‌های سیاسی داریم، تماس‌ها و گفت‌وگوهای نظامی منظم داریم و فکر می‌کنم این مهم است که این روند ادامه پیدا کند، زیرا هنوز چالش‌های زیادی در منطقه وجود دارد، به‌ویژه مربوط به آینده افغانستان.»

چه چرخش چشمگیری! پاکستان در کتاب‌های خوب آمریکایی‌ها بازگشته است. پیشنهاد **آمریکا / ناتو** به رهبری نظامی پاکستان در راولپندی همزمان با از سرگیری مذاکرات در دوحه بین مقامات آمریکایی و طالبان است. واشنگتن با کمک پاکستان به دنبال راه حلی سیاسی در کابل است.

----- **با تقدیم سلامها «2021-11-30» ...**